شکست جدید انگلیس در عراق

بعلاوهء چند کشتی جنگی که اگرچه غرق نشدند ولی باندازهء خسارت‏ بدانها رسید که از کار افتادند مانند گولوا و سوفرن دو«کویراسهء»فرانسوی‏ و انفه له کزیبل«کویراسهء»انگلیسی،و نیز بسیاری از کشتیهای نقّاله و بارکش و زغال‏کش و مخّرب و ضدّ مخّرب و«مین»گذار و«مین»جمع کن‏ و غیرها که غرق شده‏اند ولی جدولی عجالة از آنها بدست نیست.

مخارج متّفقین در لشکرکشی داردانل متجاوز از شش میلیارد فرانک‏ شده است.

غنایم غثمانی؟؟؟-اخبار رسمی فرانسه و انگلیس و جراید ایشان سعی‏ میکنند که گوشها را پر کنند که تخلیهء داردانل از طرف قشون ایشان بالطّوع‏ و الاختیار من دون الأکراه و الأخبار بوده است.«تایمس»مورخهء 10 ژانویه این تخلیهء داردانل را یکی از اعمال عظام و فتوحات بزرگ قشون‏ انگلیس فرض میکند«که در تاریخ عملیّات حربی نظیر آن دیده و شنیده‏ نشده است»و میگوید که«این قشون درخشندهء با شکوه(!)که سربلندترین‏ و با فخرترین شرفی بر شرفهای قشون ما افزودند و اوّلین شاخه‏های» درخت فتح را در یک جنگ اروپائی برای خود چیدند(؟!)حالا برای‏ نقاط دیگر خدمتشان بکار خواهد خورد و هیچ خدمتی درخشنده‏تر از آنچه ایشان‏[در داردانل‏]کردند نیست(!)»و بعضی از جراید وقاحت را بدرجهء رسانیده که بدولت انگلیس پیشنهاد کرده‏اند که برای ژنرال مونرو و سایر سردارانی که بدین جلادت از عهدهء این عمل عظیم برآمده نشانهای‏ مخصوص از طرف حکومت داده شود که در خانوادهای ایشان ابا عن‏ جدّ یادگار این شرف منیع و مجد رفیع باقی بماند تا بعد از این اخلاف‏ ایشان بخاطرهای خود بیاورند که اسلاف ایشان در 9 ژانویه 1916 عار را بر نار و ننگ را بر نام ترجیح داده چند صد هزار قشون دو دولت از اعظم دول روی زمین نام دول خود را ننگ عالم کرده از مقابل‏ قشون ترک باکمال بی‏شرفی فرار کردند.بلی نشان برای سردارهای‏ مذکور جز این معنی دیگری نخواهد داشت و بیمزگیهای جراید نفاق هم‏ دیگر هیچکس را گول نخواهد زد دیگر کار از پرده‏پوشی گذشته است، طشت رسوائی متّفقین از بام افتاد و کوس رسوائی آنها را بر سر بازارهای‏ تمام عالم زده‏اند.

اگر کسی در اوایل جنگ در انگلستان میگفت که انگلستان باید فخر کنند باینکه ژنرالهای ایشان بتوانند از داردانل باکمال مهارت فرار کنند آن‏ شخص را مردم فورا سنگسار میکردند و حالا کار بجائی رسیده است که‏ همان مردم از عین همان واقعه شادمانی میکنند و جراید برای آن ژنرالها نشان افتخار میطلبند!فی الواقع روزگار خیلی تغییر کرده است!بیچاره‏ آلبیون مکّار مشتش باز شده است دیگر مکر و حیله‏اش کارگر نیست،دیگر حنایش رنگی ندارد،دیگر کسی«پیزر»لای پالانش نمیگذارد.شیر بریتانی‏ پیر شده است دیگر شکار نمیتواند بگیرد،مثلی معروف است که«شیر که‏ پیر شد....!»-بقول یکی از جراید بالاترین تلفات انگلیس در داردانل‏ خیلی سنگین‏تر از شش میلیارد پول و 250 هزار نفوس و چقدر کشتی‏ و غیره تلف ابّهت اوست که در قعر آبهای داردانل و در زیر چکمهای‏ سربازان شجاع ترک الی الأبد مدفون شد!

باری برای نمونهء از اینکه رفتن انگلیس از شبه جزیرهء گالیپولی از قبیل«ما را از مدرسه بیرون رفتیم»میباشد نقل یک فقره از غنایمی که‏ عثمانیها در انافارطه و آری برونی و سدّالبحر بدست آورده‏اند از روی‏ خبر رسمی ایشان کافی است:

غنایم انافاررطه و آری برونی

10توپ‏ 000,2 تفنگ و سرنیزه‏ 750,8 خمپاره(ابوز) 500,4 صندوق ذخایر حربیه‏ 13 ماشین بمب‏انداز 000,45 بمب‏ 160 گاری دخیره‏ 61 کالسکه با لوازم آن‏ 67 قایق و پل کشتی‏ 850,2 خیمه‏ 185 تابوت مرضی‏ 000,21 قوطی اغذیه(کونسرو) 000,5 جوال غلّه‏ 500,12 بیل و کلنگ‏ و مقداری کثیر بنزین و نفط و روپوش‏ و لباس و آلات تقطیر و تصفیهء آب‏ و غیرها و غیرها.

غنایم سدّالبحر

15توپ‏ مقداری کثیر مهمّات‏ چند صد صندوق ذخیره‏ 000,2گاری و کالسکه‏ چندین اوتومبیل و دوچرخه و موتوسیکلت‏ مقداری عظیم ادوات و آلات هندسی‏ 200 خیمه و مریضخانهای سیّار چندین صندوق دواجات‏ 000,50 روپوش پشمی‏ مقدار عظیمی قوطی«کونسرو» چندین هزار خروار جو و دو سر مقداری کثیر حیوانات‏ و قیمت این غنایم سدّلبحر قدر اقلّ بدو میلیون لیره تخمین شده‏ است‏ و بدیهی است که اگر متّفقین خود باختیار خود در کمال آرامی و آسودگی چنانکه میخواهند بباورانند از گالیپولی بیرون میرفتند البتّه این‏ همه غنایم را یا با خود می‏برند یا آنها را آتش میزدند یا بدریا می‏ریختند که‏ بدست دشمن نیفتد.

شکست جدید انگلیس در عراق

بعد از آنکه در اواخر ماه نوامبر گذشته ژنرال تونسهند انگلیسی با یک«دیو یزیون»قشون که تقریبا عبارت از 20 هزار نفر است بخیال‏ فتح بغداد تا خرابهای طیسفون پای تخت قدیم ساسانیان(مداین)و حوالی‏ طاق کسری و مقبرهء سلمان فارسی رضی اللّه عنه مشهور به«سلمان پاک» رسیده و در آنجا فجأة با عدّهء عظیمی از قشون عثمانی مصادم شده آن شکست فاحش کذائی را خورد که باقرار خود انگلیسها در خبر رسمیشان‏ پنجهزار کشته و مجروح خسارت بدیشان وارد آمد و تار و پود لشکرشان بکلّی درهم گسیخت جمیع آن قشون فرار را برقرار اختیار کرده با منتهی درجهء سرعت از جلو قشون عثمانی گریخته بطوری که‏ شبانه روزی هشت فرسخ راه مجبور شدند طّی کنند و قشون عثمانی نیز بهمان درجه سرعت ایشان را تعاقب نمودند و بدینطریق ژنرال تونسهند با پای پیاده 25 فرسخ راه پیموده با بقیّة السّیف قشون خود را در عرض‏ سه شبانه روز خود را بکوت العماره(که قصبه ایست واقع در سی فرسخ‏ تقریبا در جنوب شرقی بغداد بر ساحل یسار دجله و انگلستان آنرا در اواخر ماه سپتامبر گذشته گرفته و استحکامات زیادی در آن بعمل آورده‏ و آنرا قلعه مانندی ساخته بودند)رسانیده در آنجا متحصّن شد.قشون‏ عثمانی بلا تأخیر پا بپای ایشان رسیده در هشتم دسامبر کوت العماره را بمباردمان نموده شروع بمحاصرهء آن کردند و در دجله بعضی کشتیهای کهنه‏ غرق کرده تا انگلستان از راه دریا نتوانند بمحصورین مدد برسانند و از طرفین دجله مشغول تهیّهء آلات حصار گشتند و تا امام علیّ‏الغربی واقع‏ در شش فرسخی در مشرق کوت العماره متصرّف شدند.از آنروز یعنی‏ از 8 دسامبر تاکنون بیش از پنجاه روز است که ژنرال تونسهند با قریب‏ 000,12 نفر قشون خود در کوت العماره محصورند و از هیچ طرف‏ مددی و کمکی بآنها نمیرسد و امید است که عنقریب جمیع ایشان بچنگ‏ قشون عثمانی بیفتند.

دولت انگلیس که طبعا از طول مدّت حصار و نتیجهء و خیمه که برای‏ محصورین حسّ میکند مضطرب شده است فرمان داد تا ژنرال المر (Aylmer) که مابین کوت العماره و عماره بوده است با قشون زیاد بکمک محصورین‏ بشتابد.ژنرال المر از خطّ دجله بالا آمده در دو سه نقطه در مغرب‏ امام علیّ‏الغربی با پیش قراولان عثمانی مصادف شده چند مرتبه زد و خورد مختصری بین ایشان واقع شد.تا در 21 ژانویه در منشی(؟)35 کیلومتر در مشرق کوت العماره قشون ژنرال المر با قشون عثمانی مصادم شده جنگ‏ بسیار سختی واقع شد که شش ساعت تمام طول کشید و بالأخره ظفر نصیب عساکر منصورهء اسلام گردیده دشمن شکست فاحش خورده چندین‏ کیلومتر عقب نشست و 000,3 نعش انگلیسان را عثمانیان در میدان حرب‏ شمردند.این است عین ابلاغیّهء عثمانی:

اسلامبول 23 ژانویه-«در جبههء عراق جنگهای محلّی در اطراف‏ کوت العماره امتداد دارد.قوای انگلیسی که از طرف امام علیّ الغربی‏ میآمدند در 21 ژانویه(15 ربیع الاوّل)در زیر حمایت کشتیهای توپدار نزدیک منشی(؟)تقریبا در 35 کیلومتری‏[در شرق‏]کوت العماره از هر دو طرف دجله بر مواقع ما حمله کردند.جنگ شش ساعت طول‏ کشید.جمیع حمله‏های دشمن بواسطهء حملات جوابیّهء ما ردّ شد.دشمن‏ چندین کیلومتر بطرف مشرق عقب زده شد.در میدان جنگ ما سه‏ هزار نعش دشمن را شمردیم.ما یک کاپیتن و چند سرباز اسیر گرفتیم. تلفات ما نسبة کم است.یک متارکهء یک روزه که ژنرال المر سرکردهء قشون دشمن برای دفن اموات خودشان از ما درخواست کرد عطا کردیم. اسرای دشمن میگویند که بعلاوهء تلفات این جنگ انگلیسها در جنگهای‏ سابق نزدیک قصبهء شیخ سید باز سه هزار کشته و مجروح داشتند.»

ابلاغیّهء رسمی انگلیس در موضوع این جنگ خوشمزه است.مضمونش‏ بطور اختصار این است:

«ژنرال المر در 21 ژانویه بر مواقع عثمانی حمله کرد.جنگ در تمام روز امتداد داشت با پیشرفتهای مختلف از طرفین.هوا بسیار بد و بارانی است.تلفات از طرفین بسیار سنگین است.یک متارکهء چند ساعته با دشمن بسته شد برای حمل مجروحین و دفن اموات.در عرض‏ 48 ساعت اخیر دجله در کوت العماره هفت قدم و در عماره دو قدم و نیم بالا آمده است».

برای کسی که عادت بخواندن و فهمیدن ابلاغیّه‏های انگلیس داشته باشد و بقول فرانسها بتواند بین السّطور را بخواند واضح است که این ابلاغیّه‏ اقرار بشکست است.تلگراف‏کنندهء این راپورت سرگردان است که چه‏ خبر بدهد.چون نمیخواهد بگوید تلفات ما سنگین است میگوید«تلفات‏ از طرفین بسیار سنگین است»و چون پیشرفت عثمانی را نمیخواهد اقرار بکند میگوید«با پیشرفتهای مختلف از طرفین».گاه از بد بودن هوا و باران خبر میدهد و گاه با یک تدقیق هندسی از سه هزار کیلومتر راه بالا آمدن دجله را در یکجا شش قدم و در جای دیگر سه قدم و نیم تلگراف‏ میکند.ولی بعادت معهود هیچ نمیگوید که«ما دشمن را شکست فاحش دادیم» یا«حملات ایشان را ردّ کردیم»یا«عقب نشاندیم»و نحوذلک.و واضح‏ است که اگر ادنی پیشرفتی ممکن بود برای خود فرض کنند البتّه از ذکر آن بتعیین اقدام طغیان دجله بعدد صیحح و کسر نمی‏پرداختند.و تایمس‏ عین این ابلاغیّهء عثمانی را نقل میکند بدون هیچ تکذیبی یا تردیدی.

خورشید سرخ

بنابر خبری که در جرائد آلمان چند روز قبل انتشار یافت سردار اسعد بختیاری یک انجمنی بنام«خورشید سرخ»برای ادای تکالیف و کارهائی که در فرنگ«چلیپای سرخ»و در عثمانی«هلال سرخ»متعهّد آنهاست تشکیل داده است که در جنگ ایرانیان با دشمنان خود بپرستاری‏ مجروحین و صدمه دیده‏ها مواظبت کند.این خبر اگر صحیح باشد بسیار خوش و مایهء امتنان است چه این کار نیز یکی از اهمّ لوازم پیشرفت کار جنگ است.بعضی از اطبّای بزرک آلمان بواسطهء این خبر منتشر در روزنامه‏ها بخیال افتاده‏اند که هیئتی از اطبّا و زنان پرستار«خواهران» تشکیل داده بایران بفرستند که بهیئت«خورشید سرخ»کمک کند.امید که این کار خیر زودتر انجام گیرد و مبلغی دوا و لوازم طبابت و عدّهء اطبّا و پرستاران بمیدان جنگ ایرانی برسند.

عید نولّد اعلیحضرت قیصر

روز پنجشنبه 27 ژانویه را که مصادف با سال پنجاه و هفتم از عید تولّد اعلیحضرت ویلهلم ثانی امپراطور کلّ ممالک محروسهء آلمان ایّد اللّه‏ جیشه بود در تمام شهرها و قری و قصبات آلمان عید گرفته باکمال بهجت‏ و سرور ولی نیز در نهایت وقار و سکون که مناسب موقع جدّی حالیّه‏ است بانجام رسانیدند و مخصوصا برحسب خواهش مخصوص اعلیحضرت‏ امپراطور لوازم جشن در کمال سادگی و بیسر و صدائی برگزار شد.

این دوّمین مرتبه است که اعلیحضرت قیصر عید تولّد خود را در میدان جنگ در وسط قشون خود میگذرانند.

در چنین روز سعیدی حقّا که ملّت آلمان را سزد که از نتیجهء اعمال‏ قشون شجاع و شخص شخیص سرکردهء کلّ آن بر خود ببالد و با کمال‏ سربلندی و فخر نظر خود را باطراف عالم بیفکند.

یک نظر اجمالی بنقشهء اروپا کافی است که ترقّیات محیّرالعقول عساکر منصورهء آلمان و متّحدین باوفایش را در عرض مدّت این یکساله در جلو چشم بیاورد.

جمیع مساعی دشمنان عنود حقود برای مغلوب ساختن آلمان بسنگ‏ خورد و جمیع مکرها و حیلهای تاریک ایشان برای مضطرّ نمودن آلمان‏ از راه تنگی یا قحطی بواسهء عزم قوی و ارادهء مردانهء مردم آلمان مانند مه تابستان محو شده بی‏اثر ماند.قشون آلمان در جمیع نقاط جنگ را بر روی اراضی دشمنان امتداد میدهد و از خاک و آب و معادن و صنایع‏ و کارخانجات ایشان متمتّع میشود.از عراق عرب تا رودخانهء سوم(در فرانس)قریب 000,3 کیلومتر خاک آلمان و متّحدین او بهم متّصل شده‏ است.ترنهای مستقیم از شهر لیل(فرانس)تا ورشو و از هامبورگ تا اسلامبول در اراضی متصرّفهء آلمان و متّحدین آن میآید و میرود.

ما مسلمنان که غلبهء آلمان و متّحدین او ما را اوّلین آمال و برای ما متضمّن خیر حال و نفع استقبال است در این روز مولود اعلیحضرت‏ ویلهلم ثانی دستها را بدعا برداشته از خداوند تبارک و تعالی غلبهء نهائی و قطعی قشون آلمان را که غلبهء اوّلین سلطنت مستقلّ اسلامی یعنی دولت علیّهء عثمانی بآن پیوسته و اعتلاء اسلام و عزّت مسلمین بدان بسته است با طول‏ عمر و سلطنت اعلیحضرت امپراطور محبوب آلمان درخواست می‏نمائیم.

خودکشی ولیعهد عثمانی

از اهمّ حوادث اخیره انتحار ولیعهد دولت علیّهء عثمانی شاهزاده یوسف‏ عزّالدّین افندی است که در غرّهء فوریه(26 ربیع الاوّل)در ساعت‏ هفت و نیم صبح بعلّت اشتداد یک مرض مزمنی که مدّتهای طویل مبتلی‏ بدان بود رگ بازوی چپ خود را گشوده این حیات فانی را بدرود گفت.اطبّای مشهور اسلامبول جمیعا جسد آن مرحوم را معاینهء طبّی‏ نموده همه حکم کرده‏اند که او خود خود را کشته است.

مرحوم شاهزاره عزّ الدّین افندی 59 سال داشت و در 9 اکتوبر 1857 (19صفر 1274)متولّد شده بود.وی پسر عمّ اعلیحضرت سلطان محمّد خامس‏ سلان حالیّه و پسر سلطان عبد العزیز است که از سنهء1278-1293سلطنت‏ نمود.سلطان عبد العزیز را اراده آن بود که قانون ولایت عهد ارشد آل عثمان را بر هم زده سلطنت را بخانوادهء خود و اولاد و اعقاب خود مخصوص نماید. ولی مساعی او در این خصوص بکلّی بی‏نتیجه ماند.و بدین ملاحظه‏ همیشه یوسف عزّالدّین افندی از طرف سلطان مراد خامس و سلطان‏ عبد الحمید بنظر سوء ظنّ ملحوظ بود.پس از خلع و قتل عبد العزیز یوسف عزّالدّین بکلّی فراموش شد.در موقع انقلاب عثمانی و خلع عبد الحمید دوباره یوسف عزّالدّین بمساعدت پسر عمّش اعلیحضرت سلطان محمّد حالیّه‏ از فراموشی بیرون آمد.در موقع تاجگذاری جورج پنجم پادشاه حالیّه‏ انگلیس وی بسمت ولیعهد سلطان در جشن تاجگذاری در لندن حضور بهمرسانید.وی مکرّر مسافرتهای مختلف بپاریس و برلین و وین‏ و غیرها می‏نمود.

از قرار مذکور وی مبتلی بمرض عصبانی شدیدی بوده و شاید این‏ ختام فجیع عمر وی نیز بی‏ربط بدین مرض نبوده است.

اخبار اخیره

؟یکی از کشتیهای کوچک مسلّح آلمان موسوم به مووه Mo?we از وسط خطّ حصار کشتیهای جنگی انگلیس از بحر شمال عبور کرده در بحر آتلانتیک هفت کشتی انگلیسی را بحجم مختلف از دو الی پنج هزار تون‏ غرق نموده و یک کشتی بزرگ انگلیسی موسوم به آپام را نیز اسیر نموده‏ همراه خود بآمریکا برده است.گویا این مووه نیز برادر امدن معروف‏ بشود و همان اعمال عجیبهء او را بظهور آورد.

؟یک تحت البحری آلمانی در دهانهء رود تمز(انگلیس)یک کشتی‏ مسلّح قراول انگلیسی با چهار کشتی ماهیگیری را در 31 ژانویه و غرّهء فوریه غرق کرده است.

؟اعلیحضرت امپراطور آلمان رتبهء«فلد مارشالی»باعلیحضرت سلطان‏ محمّد خامس سلطان عثمانی اعطا نموده است.

؟قشوز ملّی ایران دولت آباد را از روسها پس گرفته‏اند وصف جنگ‏ کنون بشهرک پنج فرسخ در مغرب نهاوند رسیده است.

تشکّر

بعضی از جراید بزرگ آلمانی از قبیل«برلینی؟تاغبلات»و غیره از این‏ روزنامهء محقّر ما نامی برده و شرحی در تقریظ آن نوشته‏اند ما تشکّرات‏ قلبی خودمان را از حس ظنّ همقلمان محترم خدمت همگی ایشان‏ تقدیم میداریم.

در چاپخانهء کاویانی در برلین چاپ شد